

الگوی ارتقای خصوصی سازی در شرکت های دولتی ایران با به کار گیری تئوری نهادی (مورد مطالعه: شرکت های تولید لاستیک)

T The pattern of promoting privatization in Iran's state-owned companies using institutional theory (case study: rubber production companies)

چکیده

در چند دهه اخیر، خصوصی سازی یکی حوزه هایی است که بسیار به آن پرداخته و با توجه به مشکلات متعددی که در زمینه مدیریت و عملکرد شرکت های دولتی مشاهده می شود، ضرورت زیادی دارد. با این وجود، خصوصی سازی باید به شکل مطلوب و با در نظر گرفتن تمامی عوامل داخلی شرکت ها و متغیرهای محیط نهادی انجام پذیرد. از این رو، در این تحقیق طراحی الگویی به منظور ارتقای خصوصی سازی در شرکت های دولتی ایران با به کار گیری تئوری نهادی مدنظر قرار گرفته است. تحقیق حاضر، از نظر هدف کاربردی-توسعه ای و در زمره تحقیقات آمیخته قرار دارد. در مرحله کیفی، از روش تحلیل تم برای شناسایی عوامل مؤثر بر خصوصی سازی شرکت های دولتی براساس تئوری نهادی استفاده شد. بدین منظور با ۲۳ نفر از خبرگان که به صورت هدفمند انتخاب شدند، مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام گرفت. براساس یافته ها، ۳ دسته عوامل هم شکلی اجباری (عوامل فرآیند واگذاری و عوامل پشتیبانی)، هم شکلی تقلیدی (عوامل رقابتی و عوامل بازاریابی) و هم شکلی هنجاری (عوامل محیطی و عوامل اقتصادی) شناسایی شدند. در بخش کمی نیز با روش تحلیل عاملی تاییدی به آزمون و اعتبارسنجی الگوی تحقیق پرداخته شد. بدین منظور با ابزار پرسشنامه از ۷۰ نفر از صاحب نظران و افراد خبره در زمینه خصوصی سازی و دست اندرکار واگذاری شرکت های دولتی نظرخواهی به عمل آمد. براساس یافته های تحلیل عاملی، کلیه عوامل شناسایی شده تایید شدند. همچنین، اولویت عوامل براساس بار عاملی محاسبه شده به ترتیب هم شکلی اجباری، هم شکلی تقلیدی و هم شکلی هنجاری با مقادیر ۰/۸۲۰، ۰/۸۰۱ و ۰/۷۸۸ می باشد. نتایج تحقیق نشان داد که بهره گیری از تئوری نهادی در حوزه خصوصی سازی می تواند اثربخش باشد و شناخت مطلوبتری نسبت به عوامل مؤثر بر آن ایجاد کند.

کلمات کلیدی: خصوصی سازی، اصل ۴۴ قانون اساسی، شرکت های دولتی، تئوری نهادی.

نوع مقاله: پژوهشی

رقیه علیلو^۱، رضا نجف بیگی^۲، نازنین پیله وری^۳

(۱) دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

(۲) استاد تمام مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

(۳) دانشیار مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، تهران، ایران.

Email: rezanajafbagy@yahoo.com

ایمیل نویسندگان و عهده دار مکاتبات:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱-۱۲-۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲-۰۲-۳۱

مقدمه

مسکن، حمل و نقل و سایر ابتکارات در زمینه توسعه زیرساخت‌ها، از اهداف اصلی خصوصی‌سازی هستند (تونسر^۱، ۲۰۲۲). خصوصی‌سازی - که به عنوان انتقال مالکیت سازمان‌های دولتی به احزاب خصوصی تعریف می‌شود - توجه محققان را در زمینه‌های مختلف به خود جلب کرده است. برنامه‌های خصوصی‌سازی بر این فرض استوار شده‌اند که بر اساس تئوری اقتصاد خرد، تغییر از مالکیت دولتی به خصوصی، مدیریت کارآمدتر منابع موجود را تحریک می‌کند (رادیک^۲ و همکاران، ۲۰۲۱).

اتلاف و کمبود منابع، دو معضل بنگاه‌های دولتی در کشورهای در حال توسعه‌اند. در حالی که این کشورها با انواع محدودیت‌ها در منابع مواجهند، اقتصاد دولتی مانع استفاده بهینه از این منابع محدود می‌شود. یکی از بهترین راهکارهای حل توأمان این دو مشکل، خصوصی‌سازی است (مجتهدی و اثناعشری، ۱۳۹۲). تئوری‌های اقتصادی خصوصی‌سازی را در بازارهایی که رقابتی هستند و زمانی که کیفیت خدمات نسبتاً قابل تعریف و نظارت است، ترویج می‌کنند (بروگارد و پترسون، ۲۰۲۱). اصطلاح خصوصی‌سازی اغلب به انتقال مالکیت سازمان‌های دولتی از دولت به بازیگران خصوصی اشاره می‌کند که به آن خصوصی‌سازی از طریق واگذاری نیز گفته می‌شود (رادیک و همکاران، ۲۰۲۱). اصلاحات و خصوصی‌سازی بخش عمومی هرگز جدا از تلاش‌های گسترده‌تر برای تعدیل کلان اقتصادی و سیاسی صورت نمی‌گیرد. در قلب تغییرات تحت بررسی، نگرانی برای کارایی اقتصادی است. اقدامات اصلاحی و خصوصی‌سازی به ندرت تنها بر اساس دلایل اقتصادی قابل توجیه است. در واقع، دلایلی که این روند را به پیش می‌برد، همیشه به صراحت سیاسی هستند، اما به ندرت آشکارا اعلام می‌شوند. زمینه‌هایی که اصلاحات بخش عمومی و سیاست خصوصی‌سازی بر آن‌ها اجرا می‌شوند، همیشه اقتصادی هستند، خواه شامل چیزی خاص مانند کاهش کسری بودجه یک دولت باشد یا بر پایه این باور که این سیاست بنگاه‌ها را

خصوصی‌سازی همراه با آزادسازی اقتصاد و جهانی شدن به یک سیاست رایج در سراسر جهان تبدیل شده‌است، اما بدون بحث نبوده است. ادبیات تجربی به طور گسترده نشان داده است که خصوصی‌سازی گرایش به افزایش عملکرد مالی و عملیاتی دارد (پن و همکاران، ۲۰۲۲). تئوری‌های اقتصادی پیشنهاد می‌کند که خصوصی‌سازی تخصیص کارآمد منابع را تقویت می‌کند. همچنین، با اجازه دادن به سرمایه‌گذاران خارجی برای مشارکت در بازار، رقابت پذیری افزایش می‌یابد که بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت می‌گذارد (رامیرز و لویز، ۲۰۱۸). علی‌رغم ارزیابی‌های مثبت اقتصادی خصوصی‌سازی از نظر سودآوری شرکت‌ها و کارایی شرکت‌ها، اکثر شهروندان دیدگاه‌های مثبت کمتری نسبت به خصوصی‌سازی دارند و نسبت به پیامدهای آن از نظر رفاه و برابری تردید دارند. برای مثال، خصوصی‌سازی به نفع گروه‌های جمعیتی ممتاز و قدرتمند (سهامداران، مدیران یا سرمایه‌گذاران) و به ضرر بقیه شهروندان (مصرف‌کنندگان، مالیات‌دهندگان یا کارگران) بوده و باعث بدتر شدن شرایط کار در شرکت‌های واگذار شده و منجر به افزایش قیمت‌ها پس از آن می‌شود (گانخار و فوکن، ۲۰۱۸). پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد خصوصی‌سازی تأثیر مثبتی در سودآوری بنگاه‌های اقتصادی نداشته و در عوض، بدهی‌ها و ریسک‌های این بنگاه‌ها افزایش یافته‌است (پناهی و همکاران، ۱۴۰۰).

با جهانی شدن، خصوصی‌سازی بسیار مورد استفاده قرار گرفته است (ژو^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). می‌توان تغییری را که امکان استفاده از منابع عمومی توسط بخش خصوصی را فراهم می‌کند، «خصوصی‌سازی» نامید. دستیابی به راندمان تولید بالاتر، تحقق رشد و توسعه اقتصادی سریع‌تر، تقویت نقش بخش خصوصی در ایجاد اشتغال، بهبود سلامت مالی بخش دولتی و تأمین منابع رایگان برای استفاده در بخش‌های مهم مردم مانند آموزش، امنیت، بهداشت،

1-Zhou

2-Tuncer

3-Radić

کارآمدتر می‌کند (ساتو و متسومورا، ۲۰۱۹).

ایده اصلی در تفکر خصوصی‌سازی این است که محیط رقابتی و سیستم بازار باعث می‌شود بنگاه‌ها و واحدهای خصوصی عملکرد کارآمدتری نسبت به بخش دولتی داشته‌باشند (نصیرزاده^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). خصوصی‌سازی یک مفهوم پیچیده و مبهم و دارای ابعاد و آثار مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی است. قبل و بعد از انقلاب رویکرد قانون‌گذار به سمت غلبه دادن مالکیت عمومی و دولتی بر مالکیت خصوصی بوده است؛ اما رفته رفته به دلایل متعدد از جمله داخلی و خارجی و به جهت جلوگیری از انحصار بخش عمومی و دولتی، رکود جامعه، کوچک نمودن دولت، بها دادن به بخش خصوصی و راه یابی به بازار اقتصاد جهانی به خصوصی‌سازی توجه بیشتری گردید (صمدی و همکاران، ۱۳۹۹). گانخار و فوکون^۲ (۲۰۱۸) به این نتیجه رسیدند که حدود ۶۱ درصد از مطالعات اثرات مثبت خصوصی‌سازی را بر عملکرد از نظر کارایی عملیاتی، هزینه و کارایی قیمت، دسترسی آسان به تسهیلات مالی مبتنی بر بازار، شفافیت و حکمرانی خوب، بهره‌وری و سودآوری نشان می‌دهند.

اگرچه خصوصی‌سازی برای کشورهای تابع اقتصاد بازار و نظام سرمایه داری آثار مثبت به دنبال داشته است، ولی برای کشورهای جهان سوم از جمله ایران چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب آثار زیان‌باری به دنبال داشته است، که مبین ناهمگونی و ناسازگاری بین خصوصی‌سازی به عنوان ابزار رشد و توسعه اقتصادی با سایر ساختارهای اجتماعی-فرهنگی و انسانی ... است (مهدی زاده و همکاران، ۱۴۰۰). متأسفانه، نتایج تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی تأثیر مثبتی بر سودآوری بنگاه‌ها در ایران ندارد و در عوض بدهی‌ها و ریسک‌های این بنگاه‌ها افزایش یافته است (پناهی و همکاران، ۱۴۰۰). همچنین، در ایران تعداد قابل توجهی از بنگاه‌های اقتصادی تحت عنوان خصوصی‌سازی از مالکیت

دولت خارج شده است ولی این اقدامات نه تنها منجر به کاهش فساد نگردید، بلکه خود به فرایندی فساد زا مبدل شد و ناکارآمدی نظارت پیشگیرانه در این زمینه نمایان گردید (نقی پور و عالی پور، ۱۴۰۱). اجرای ناقص، غیرعلمی و سیاست زده خصوصی‌سازی در ایران، سبب شده است که با وجود تلاش‌های بسیار، از مزایای آن برای کشور کاسته شده و مضرات آن نیز تشدید شود (پوراحمدی و همکاران، ۱۳۹۷). با توجه به آنچه بیان شد، خصوصی‌سازی فرایندی است که دارای پیچیدگی خاصی بوده و مجموعه‌ای از عوامل بر کیفیت و اثربخشی آن تأثیرگذار است. متأسفانه در کشور ایران، این فرآیند با رویکرد علمی و جامع‌نگر و با در نظر گرفتن کلیه عوامل مؤثر انجام نمی‌پذیرد. اینکه اکثر شرکت‌های دولتی پس از واگذاری به بخش خصوصی دچار مشکلات عدیده‌ای شده و حتی در مواردی به تعطیلی کشیده می‌شوند، ناشی از کاستی‌های موجود در فرآیند واگذاری و عدم شناخت درست از عوامل مؤثر بر واگذاری موفق و کنترل و مدیریت مؤثر این عوامل است. تجربه شرکت کیان تاپر در صنعت لاستیک سازی تنها یکی از نمونه‌های عدم توفیق در خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی است که تبعات منفی کوتاه مدت و بلندمدت برای این شرکت ایجاد شده و نیز مساله از دست رفتن سرمایه‌های ملی را به همراه داشته است. شناخت و آگاهی از عواملی که می‌توانند موفقیت در خصوصی‌سازی را تحت تأثیر قرار دهد. نخستین گام در حرکت علمی و نظام‌مند در این زمینه است. با توجه به اینکه صنعت لاستیک سازی یکی از صنایع مهم کشور است که بخش خصوصی قدرتمندی نیز در این زمینه فعالیت دارند و محصولات وارداتی نیز در این صنعت به وفور وجود دارد، شرکت‌های دولتی که در این صنعت فعالیت دارد ممکن است پس از خصوصی‌سازی دچار چالش‌های متعددی شود و از این رو، ضرورت دارد فرآیند خصوصی‌سازی آنها با شناخت درست از کلیه عوامل خرد و کلان در محیط نهادی انجام پذیرد.

جهانی با هدف رشد و توسعه اقتصادی به کشورهای جهان سوم از جمله کشور ایران تجویز و دریافت هر گونه وام را از این مراکز مشروط به اجرای خصوصی سازی کردند (مهدی زاده و همکاران، ۱۴۰۰). زمانی که دولت‌ها شرکت‌های دولتی را در اقتصادهای توسعه یافته واگذار کردند، به‌ویژه در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، اهداف آنها معمولاً افزایش کارایی اقتصادی از طریق بهبود عملکرد شرکت، کاهش مداخله دولت و افزایش درآمد آن و ایجاد رقابت در این بخش‌ها بود (استرن و پلتیر، ۲۰۱۹).

خصوصی سازی را می‌توان به خصوصی سازی کامل، جزئی و گزینشی دسته بندی کرد. خصوصی سازی را می‌توان بر حسب درجه و میزان انتقال کنترل فعالیت از بخش دولتی به بخش خصوصی به سه بخش متمایز تقسیم نمود، خصوصی سازی مالکیت^۱ خصوصی سازی مدیریت^۲ و خصوصی سازی مقررات و نظامات مؤسسات دولتی^۳ خصوصی سازی مالکیت فی الواقع فرآیند انتقال مالکیت و حقوق مالکیت از دولت به بخش خصوصی را دربر می‌گیرد. در حالی که در خصوصی سازی مدیریت، دولت مالکیت را به بخش خصوصی واگذار نمی‌کند (صالح^۴ و همکاران، ۲۰۲۱). پیامدهای خصوصی سازی برای اقتصاد و جامعه مبتنی بر سه دیدگاه نظری است که از حرکت به سمت خصوصی سازی حمایت می‌کند و بر این اساس که بازار آزاد باعث افزایش کارایی سازمان‌ها می‌شود؛ این دیدگاه‌ها عبارتند از: نظریه نمایندگی، نظریه انتخاب عمومی و نظریه حقوق مالکیت. از دیدگاه تئوری نمایندگی، شرکت‌ها با جدایی واضح بین مالکیت (اصیل) و مدیران (نماینده) مشخص می‌شوند. با توجه به اینکه اصیل و نمایندگان منافع متفاوتی دارند، این خطر وجود دارد که مدیران بر اساس منفعت شخصی عمل کنند و هدفشان به حداکثر رساندن مطلوبیت خود و نه سازمان باشد. همچنین از منظر رفتارهای منفعت شخصی نظریه انتخاب عمومی، سیاستمداران را

مواد قانونی واگذاری فعالیت‌ها به بخش خصوصی که منجر به خصوصی سازی شده شامل اصل ۴۴ قانون اساسی، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (ابلاغی مقام معظم رهبری)، ماده ۱۳۶ و ۱۴۴ فصل دوازدهم برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۸۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت هستند. خصوصی سازی در ایران یکی از مباحثی است که توسط دولتمردان و سیاسیون مطرح می‌شود، اما اتفاقات رخ داده در این حوزه در سالیان اخیر چندان خوشایند نبوده و آسیب‌ها و مشکلات متعددی در این حوزه ایجاد شده و بسیاری از اهداف اولیه محقق نشده است. با توجه به اینکه خصوصی سازی در محیط نهادی و تحت تأثیر عوامل متعدد موجود در آن قرار می‌گیرد، نیاز است شناخت و آگاهی مناسبی نسبت به این مسائل ایجاد شود. نتایج بررسی‌ها هم نشان می‌دهد که اگرچه تعدادی از تحقیقات به موضوع خصوصی سازی پرداخته، اما تاکنون تحقیقی این مبحث را از دیدگاه تئوری نهادی مورد بررسی قرار نداده و از این رو، به منظور پر کردن خلأ تحقیقاتی موجودی انجام تحقیق حاضر ضرورت دارد. از این رو، سؤال اصلی در این تحقیق بدین صورت است که: "الگوی ارتقای خصوصی سازی در شرکت‌های دولتی ایران با به کارگیری تئوری نهادی چگونه است؟".

مبانی نظری

خصوصی سازی

از اواخر دهه ۱۹۷۰ خصوصی سازی به عنوان یک هدف غالب در سیاست‌های کلی دولت‌ها در آمده و هر کشور بنابر شرایط خاص خود الگویی خاص را از خصوصی سازی دنبال نموده است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۰). خصوصی سازی به طور خاص پدیده نوظهور دو دهه آخر قرن بیستم است که کشورهای تابع نظام سرمایه‌داری و اقتصاد بازار از طریق سازمان‌های جهانی از جمله صندوق بین المللی پول و بانک

1- privatization of ownership

2- privatization of management

3- privatization of

4- Saleh nterprise discipline

پیشینه تحقیق

بحث خصوصی سازی در تعدادی از تحقیقات داخلی و خارجی بررسی شده است. براساس نتایج تحقیق کانگ و هوآنگ^۲ (۲۰۲۳)، سیاست گذاران باید شوک های مثبت و منفی در خصوصی سازی را در هنگام توسعه سیاست هایی برای تشویق رفتارهای طرفدار محیط زیست در نظر بگیرند. تلز و دیاز^۳ (۲۰۲۳) نیز، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که عوامل مؤثر بر کیفیت خصوصی سازی در برزیل شامل شرایط نظارت، مقررات، رقابت و دسترسی به خدمات عمومی هستند. نتایج پژوهش تومیکاوا و گوتو^۴ (۲۰۲۲) در زمینه نتایج خصوصی سازی در راه آهن ملی ژاپن نشان داد که روند افزایشی اقدامات کارایی در عملیات پس از خصوصی سازی مشاهده می شود. یافته های هوآنگ و ژو^۵ (۲۰۲۲) نیز در مورد خصوصی سازی در شرکت های چینی نشان داد که در مقایسه با شرکت های دولتی، کارایی سرمایه گذاری شرکت های خصوصی سازی شده به طور قابل توجهی پس از خصوصی سازی بهبود می یابد. علاوه بر این، بهبود کارایی در صنایعی که رقابت در بازار بالاتری دارند و مناطقی که بیشتر بازارگرا هستند، آشکارتر است. پن^۶ و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که خصوصی سازی شرکت های دولتی به طور قابل توجهی نوآوری را ارتقا می دهد و اثرات زیادی عمدتاً از طریق کاهش هزینه های نمایندگی شرکت ها در بلندمدت ایجاد می کند. همچنین، خصوصی سازی پیشرونده بیشتر از خصوصی سازی رادیکال بر نوآوری مؤثر است. فوکون و گانخار (۲۰۲۲)، در مطالعه خود به بررسی تجربی تأثیر خصوصی سازی بر عملکرد شرکت های بخش دولتی مرکزی در هند پرداختند. این مطالعه نشان داد که عملکرد مالی و عملیاتی شرکت ها به دلیل خصوصی سازی به طور قابل توجهی بهبود یافته است. علاوه بر این، عوامل خاص شرکت و سایر اصلاحات موازی اتخاذ شده توسط شرکت ها به طور قابل توجهی بر عملکرد آنها تأثیر گذاشته است.

به عنوان عوامل فرصت طلب در نظر می گیرد و به این ترتیب، آنها به جای منافع عمومی، به دنبال منافع خود هستند. تئوری حقوق مالکیت نیز در توضیح خصوصی سازی مناسب است. حقوق مالکیت، حق استفاده از منابع یا کالاهای اقتصادی است (بالستروس و میگوئل، ۲۰۱۸).

مطالعات روی اقتصادهای در حال توسعه نشان می دهد که حرکت از مالکیت دولتی به خصوصی به تنهایی به طور خودکار سود اقتصادی به همراه ندارد. در عوض، تعدادی از عوامل مؤثر بر موفقیت خصوصی سازی یافت شده اند که عبارتند از: (۱) کدام شرکت ها خصوصی می شوند؛ (۲) خصوصی سازی کامل یا جزئی؛ شواهد نشان می دهد که اولی سودمندتر است؛ (۳) چارچوب نظارتی که به نوبه خود به محیط نهادی و سیاسی بستگی دارد؛ (۴) ویژگی های مالکان جدید؛ مالکیت خارجی با عملکرد برتر کسب و کار پس از خصوصی سازی، به ویژه نسبت به دادن مالکیت مدیران و یا کارگران فعلی همراه بوده است؛ (۵) رقابت مؤثر؛ مشخص شده است که این امر در ایجاد بهبود در عملکرد شرکت بسیار مهم است، زیرا با هزینه های کمتر، قیمت های پایین تر و راندمان عملیاتی بالاتر همراه است (رادیک و همکاران، ۲۰۲۱). خصوصی سازی یک مفهوم گسترده در اقتصاد است. این شامل عملیات های مختلفی مانند معرفی سرمایه خصوصی، فروش دارایی های دولتی و انتقال به اقتصاد خصوصی است. در نتیجه، سه ویژگی عمده خصوصی سازی به شرح زیر است: (۱) اقدامات مالکیت، (۲) اقدامات سازمانی، و (۳) اقدامات عملیاتی. اقدامات مالکیت به تبدیل مالکیت شرکت های دولتی به مالکان خصوصی اشاره دارد. اقدامات سازمانی مربوط به محدودیت کنترل دولتی در شرکت های دولتی است که شامل استفاده از روش هایی برای اجاره و تجدید ساختار شرکت ها است. اقدامات عملیاتی مربوط به راه بهبود سودآوری و کارایی شرکت های دولتی است (کیم و پانچاناتام^۱، ۲۰۲۱).

1. Kim & Panchanatham

2. Kang & Huang

3. Teles & Dias

4. Tomikawa & Goto

5. Huang & Zhu

6. Pan

در بین تحقیقات داخلی، نصیری واحد و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی به طراحی مدل خصوصی سازی برای شرکت های دولتی با رویکرد استنتاج فازی پرداختند. نتایج نشان داد مطلوب ترین روش برای خصوصی سازی در راه آهن روش پیمان مدیریت بود که در این روش عامل فرهنگی مؤثرترین مؤلفه و عامل اقتصادی کم تاثیرترین مؤلفه ارزیابی شدند. نقی پور و عالی پور (۱۴۰۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که اساساً سیاست های مبتنی بر خصوصی سازی با ماهیت نظام اقتصادی ایران تطابق ندارد. این ناسازگاری موجب شده تا از یک طرف اهداف اقتصادی خصوصی سازی محقق نشود و از طرف دیگر اعمال تدابیر مؤثر پیشگیری از فساد مانند نظارت نیز کارآمد نباشد. به همین دلیل اثرگذاری سیاست های مبتنی بر انتقال اقتصاد در مواجهه با فساد در گرو تغییر رویکرد حاکمیت نسبت به ماهیت نظام اقتصادی است. یافته های تحقیق بخشی کشتلی و عباسی (۱۴۰۱) نشان داد که خصوصی سازی باشگاه های فوتبال کشور می تواند تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بسیاری بر مدیریت و کسب برآیندهای مطلوب داشته باشد. همچنین، نتایج تحقیق پناهی و همکاران (۱۴۰۰) نشان داد خصوصی سازی باید با بررسی های دقیق و در یک چارچوب حمایتی اساسی و بهره گیری از ابزارهای مدرن اطلاعاتی مانند شبکه های اجتماعی فراگیر و سیستم های اطلاعاتی اجرا شود. یافته های مطالعه یعقوبی و همکاران (۱۴۰۰) در مورد راهبرد اساسی خصوصی سازی در ایران حاکی از آن است که راهبرد کلی کشور در اجرای خصوصی سازی، تدافعی بوده و راهبردهای تغییر رویکرد دولت از نگاه صرفاً سیاسی به خصوصی سازی و اجرای صحیح آن با نگاه بلندمدت با افزایش سرمایه گذاری های جدید، نظارت دقیق نهادهای نظارتی بر جلسات و روند اجرای خصوصی سازی و بررسی سابقه افراد متصدی خصوصی سازی، راهبردهای مهم خصوصی سازی در ایران محسوب می شوند. همچنین، ذاکری (۱۴۰۰) در تحقیق خود نشان دادند اجرای سیاست خصوصی سازی در ایران، همواره

یافته های اودین و احمد^۱ (۲۰۲۱)، نشان داد که خصوصی سازی از طریق تولید ناخالص داخلی سرانه بالاتر، تشکیل سرمایه بیشتر و واردات کالاهای سرمایه ای، فعالیت کارآفرینی خصوصی را تحریک کرده و به توسعه اقتصادی بنگلادش کمک می کند. نصیرزاده^۲ و همکاران (۲۰۲۱) نیز، با استفاده از رویکردهای پویایی سیستم و تصمیم گیری چندمعیاره، به تحلیل سرمایه گذاری در خصوصی سازی شرکت ملی حفاری ایران پرداختند. نتایج نشان داد که تمامی جنبه های خصوصی سازی تأثیر یکسانی بر عملکرد شرکت ندارند. رامامورتی^۳ (۲۰۲۰)، یک مدل چند سطحی از خصوصی سازی در اقتصادهای نوظهور ارائه نمود که براساس آن تغییرات در حاکمیت شرکت که ناشی از خصوصی سازی است تنها یک عامل تعیین کننده عملکرد پس از خصوصی سازی است. تغییرات در ساختار صنعت، مقررات و متغیرهای سطح کشور از اهمیت برخوردار هستند. خان^۴ و همکاران (۲۰۲۰)، با مطالعه نمونه ای از شرکت های فهرست شده چینی بین سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ دریافتند که خصوصی سازی با عملکرد اجتماعی شرکت ها ارتباط منفی دارد، اما این رابطه منفی برای شرکت هایی که اعضای هیئت مدیره از نظر سیاسی مرتبط هستند ضعیف تر است. این نتایج نشان می دهد که احتمال مشارکت در فعالیتهای اجتماعی عمدتاً ناشی از ارتباطات سیاسی و کنترل قابل توجه دولت بر تصمیمات شرکت است؛ زیرا چنین شرکت هایی نسبت به سایر شرکت ها تحت فشار بیشتری قرار دارند. یافته های تجربی پژوهش بالاستروس و میگوئل (۲۰۱۸) نشان می دهد که خصوصی سازی تأثیر مثبت همزمان بر رشد اقتصادی دارد، اما اثرات آن بر بهره وری نیروی کار، توزیع درآمد و بیکاری دو سال پس از اصلاحات خصوصی سازی ظاهر می شود. به طور دقیق تر، اصلاحات خصوصی سازی ممکن است با افزایش بهره وری و کاهش بیکاری همراه شود، اما به ضرر عدالت درآمدی باشد. بنیارا^۵ و همکاران (۲۰۱۵) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که خصوصی سازی اثر مثبت و معناداری بر بهره وری کل عوامل داشته است.

1. Uddin & Ahmed
4. Khan

2. Nasirzadeh
5. Bonyara

3. Ramamurti

نامناسب عرضه و تقاضای سهام، سازوکار ضعیف ارزیابی، نداشتن دیدگاه آینده‌نگرانه، ضعف‌های فرهنگی، ضعف‌های روان‌شناختی، حاکمیت منطق کاپیتالیستی، حمایت و پشتیبانی مالی ضعیف از بخش خصوصی، بی‌انضباطی سیاست‌های مالی دولت، فعالیت و سیطره شبه‌دولتی‌ها در اقتصاد، محیط غیررقابتی اقتصاد ملی، دخالت بیش از اندازه دولت در اقتصاد، تدوین و اجرای نامناسب قوانین و مقررات، هم‌راستی اندک تصمیم‌ها و اقدام‌های مربوط به نهادهای مسئول مهمترین آسیب‌های شناسایی شده هستند. نهایتاً، محمدی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود دو استراتژی عمده خصوصی‌سازی یعنی جذب سرمایه‌گذاری خارجی و عرضه سهام در بورس اوراق بهادار پیشنهاد کردند و نظارت دولت و مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز نظارت رسانه‌ها و نهادهای غیر دولتی بر فرایند خصوصی‌سازی معرفی شد.

تئوری نهادی

از دیدگاه تئوری همشکلی نهادی، سازمان‌ها مشروعیت خود را در هماهنگی و انطباق با انتظارات نهادی به دست می‌آورند. از این دیدگاه، سازمان‌هایی که خواهان انطباق نهادی نیستند، نامطلوب قلمداد شده و مورد بی‌توجهی و عدم پذیرش سایر سازمان‌ها و شهروندان قرار خواهند گرفت. این گونه سازمان‌ها دارای مشکلاتی در جذب منابع شده و ممکن است با پیامدهای حقوقی و قانونی مواجه شوند (ردادی و همکاران، ۱۳۹۳). نهادی‌سازی به خلق الگوها و چارچوب‌هایی گفته می‌شود که محیط نهادی بر رفتارها تأثیر می‌گذارد. با در نظر گرفتن این اثر، تمام سازمان‌ها در آن شبکه در نهایت در ساختار و جنبه ظاهری با هم هماهنگ خواهند شد. سازمان‌ها به وسیله محیط فعالیت خود ساختار یافته، با آن‌ها هماهنگی پیدا می‌کنند، این هماهنگی تبعیت از چارچوب‌های مورد تأکید در محیط تلقی می‌شود (زنگ و همکاران، ۲۰۱۷). نظریه نهادی معتقد است که سازمان‌ها به خاطر افزایش مشروعیت محیطی ساختارهای

همراه با توزیع رانت بوده و به تدریج به خلع مالکیت عموم مردم انجامیده است. اقلیتی از نیروهای سیاسی ایران یا بخش مهمی از شرکت‌های واگذار شده را از آن خود کرده‌اند یا با واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش عمومی غیردولتی و نهادهای نظامی حضور خود را هیئت‌مدیره‌های انبوه شرکت‌های زیرمجموعه این نهادها تضمین کرده‌اند.

جعفرپور (۱۳۹۹) در پژوهشی به آسیب شناسی خصوصی‌سازی در ایران پرداخت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در فرآیند خصوصی‌سازی، بیست چالش وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از: (۱) نامساعد بودن فضای کسب و کار برای فعالیت بخش خصوصی؛ (۲) تلاطم محیط سیاسی و تأثیرپذیری اقتصاد ملی از آن؛ (۳) کم توجهی به اهلیت و سوابق خریداران؛ (۴) هدایت و نظارت غیر مؤثر بنگاه‌های خصوصی شده پس از واگذاری؛ (۵) عدم توجه به متغیرهای زمینه‌ای و تعیین اهداف ایده آل گرایانه. شمسی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهش خود به ارائه یک مدل جهت سنجش عملکرد شرکت‌های واگذار شده به بخش خصوصی پرداختند. نتایج نشان داد که ۶۵ درصد شرکت‌ها بر پایه معیار بهره‌وری، ۵۹ درصد بر پایه معیار بازدهی و ۴۷ درصد بر پایه معیار سرمایه‌گذاری و توسعه فعالیت دارای افزایش امتیاز نسبت به قبل از واگذاری هستند. امیر اسکندری و رزمجو (۱۳۹۸)، در پژوهش خود به مطالعه تطبیقی خصوصی‌سازی و تدوین الگوی راهبردی مناسب برای ایران پرداختند. براساس یافته‌ها، ابعاد شناسایی شده در الگوی این تحقیق شامل فضای کسب و کار، نهاد واگذاری، شناخت بنگاه قبل از واگذاری، انتخاب برای واگذاری، آماده‌سازی بنگاه برای واگذاری، انتخاب روش واگذاری، مشتری‌یابی و پشتیبانی برای واگذاری است. پوراحمدی و همکاران (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی به آسیب شناسی اجرای خط‌مشی‌های خصوصی‌سازی در ایران پرداختند. براساس یافته‌ها، سازوکار ناکارآمد و غیراصولی واگذاری، ضعف ساختاری و قدرت و انگیزه کم بخش خصوصی، سازوکار

محیط نهادی بررسی شده و تاکنون پژوهش به بررسی آن براساس تئوری نهادی نپرداخته است. از این رو، در این تحقیق ابعاد خصوصی سازی با رویکرد تئوری نهادی به منظور ایجاد شناخت بهتر برای سیاست گذاران و دانشگاهیان فعال در این حوزه استفاده می شود.

روش شناسی تحقیق

هدف این تحقیق، طراحی الگوی ارتقای خصوصی سازی در شرکت های دولتی ایران با به کارگیری تئوری نهادی است. این تحقیق، بر مبنای هدف توسعه ای- کاربردی و در زمره تحقیقات آمیخته (ترکیبی) محسوب می شود. تحقیق حاضر، با توجه به اینکه هدف از انجام این پژوهش الگوی ارتقای خصوصی سازی در شرکت های دولتی ایران با به کارگیری تئوری نهادی می باشد. لذا چون تحقیق موجب افزایش دانش در این حوزه می شود و می تواند برای ارتقای خصوصی سازی به کار گرفته شود، پس می توان گفت که تحقیق از نوع کاربردی است. همچنین، با توجه به اینکه محقق در تحقیق حاضر به دنبال تبیین الگوی مفهومی در زمینه خصوصی سازی است و به بررسی وضعیت موجود بدون دخل و تصرف در متغیرها موقعیت را همان گونه که هست، مورد بررسی قرار داده است، بنابراین از نوع توصیفی می باشد. همچنین، روش های آمیخته (ترکیبی) نوعی راهبرد پژوهشی یا روش شناسی برای گردآوری، تحلیل و ترکیب داده های کمی و کیفی است که برای فهم مسائل پژوهشی در زمان انجام یک پژوهش مورد استفاده قرار می گیرد (کرسول، ۲۰۰۳). در این تحقیق، در گام اول از روش تحلیل تم برای شناسایی عوامل استفاده گردید و در مرحله بعد از روش تحلیل عاملی تاییدی برای اعتبارسنجی بهره گرفته شد. همچنین، تحقیق حاضر از نوع تحقیقات آمیخته اکتشافی به حساب می آید. در طرح های تحقیق آمیخته اکتشافی، پژوهشگر درصد زمینه یابی درباره «موقعیت نامعین» می باشد. برای این منظور، ابتدا به گردآوری داده های کیفی می پردازد. انجام این مرحله او را به

معینی را انتخاب می کنند که در حوزه سازمانی (در بازار یا جایگاه محیطی) خود به سمت الگوی مشترکی حرکت می کنند. سازوکار هم شکلی نهادی از طریق سه نوع فشار نهادی به نام فشارهای اجباری^۱، تقلیدی^۲ و هنجاری^۳ که در محیط نهادی سازمان بر آن تحمیل می شود، به وجود می آید. البته، این تقسیم بندی تحلیلی و ذهنی است و این فشارها در عالم واقع همواره تا این اندازه متمایز و تفکیک پذیر نیستند (ردادی و همکاران، ۱۳۹۳).

۱) همشکلی اجباری: فشارهای اعمال شده توسط مقررات دولتی از طریق سیاست های نظارتی سازمان های کنترل کننده اعمال می شود. این نوع همشکلی، ناشی از فشار اجباری از طرف نهادهای رسمی و دولتی است.

۲) همشکلی تقلیدی: به طور عمده از رقبا و همتایان صنعت یا سازمان های سیاسی پیشرو و موفق ناشی می شود. این نوع همشکلی، به ویژه در زمان های بحرانی پیش می آید و سازمان ها خود را با سازمان های موفق در حوزه سازمانی خود همشکل می کنند.

۳) فشار هنجاری: به طور کلی از ذی نفعان خارجی مانند مشتریان، احزاب سیاسی رقیب، رسانه ها و... از طریق ارزش ها و استانداردهای رفتاری اعمال می شود. در این نوع همشکلی، سازمان ها تلاش می کنند خود را با هنجارها و «مد» های حرفه ای حوزه سازمانی خود همشکل کنند.

سازمان ها در قبال همشکلی با انتظارات نهادی مشروعیت کسب می کنند. البته این تقسیم بندی تحلیلی و ذهنی است و این فشارها در عالم واقع همواره تا این اندازه متمایز و قابل تفکیک نیستند. در مقابل سازمان هایی که همشکلی نشان نمی دهند، نامطلوب خوانده خواهند شد و مورد بی مهری و عدم اعتنا دیگر سازمان ها، نهادهای حاکم و دولت قرار خواهند گرفت. به عنوان مثال، چنین سازمان هایی در جذب متخصصان و کارکنان متخصص هم دچار مشکل خواهند شد (ردادی و همکاران، ۱۳۹۳).

براساس جمع بندی نتایج بررسی مبانی نظری و تحقیقات پیشین، تاکنون بحث خصوصی سازی کمتر از نگاه متغیرهای

1. Coercive pressure

2. Mimetic pressure

3. Normative pressure

سابقه کاری	
بیش از ۳۰ سال	۷
بین ۲۰ تا ۳۰ سال	۹
بین ۱۵ تا ۲۰ سال	۷

مرحله کمی: در مرحله کمی تحقیق، به منظور تعیین اولویت عوامل شناسایی شده از مرحله تحلیل تم، از روش تحلیل عاملی تاییدی استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق را صاحب نظران و افراد خبره در زمینه خصوصی سازی و دست اندر کار واگذاری شرکت های دولتی تشکیل داده اند. با توجه به نوع جامعه آماری و ضرورت داشتن سابقه ایشان در زمینه تدریس، تحقیق و اجرا در زمینه خصوصی سازی، حجم جامعه شناسایی شده توسط محقق محدود بوده و جمعیتی حدود ۷۶ نفر را شامل می شود. با توجه به محدودیت جامعه آماری و ضرورت پرسش از خبرگان، از کلیه خبرگان در دسترس استفاده می گردد. لذا از سرشماری استفاده شده و نیاز به نمونه گیری وجود ندارد. بنابراین، تعداد جامعه آماری ۷۶ نفر بودند که از ۷۶ پرسشنامه توزیع شده تعداد ۷۰ پرسشنامه تکمیل شده برگشت داده شد که مبنای تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به منظور جمع آوری داده ها، از پرسشنامه استفاده شد که روایی آن توسط ۶ نفر از خبرگان تایید گردید. همچنین، پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ مقدار ۰/۸۱۲ محاسبه گردید که مقداری قابل قبول و مطلوب است. مشخصات افراد نمونه در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: مشخصات افراد نمونه

عنوان	تعداد
مدرک تحصیلی	
دکتر	۶
کارشناسی ارشد	۶۴

توصیف جنبه های بی شماری از پدیده هدایت می کند. با استفاده از این شناسایی اولیه، امکان صورت بندی فرضیه (هایی) درباره بروز پدیده مورد مطالعه فراهم می شود (بازرگان، ۱۳۸۷). در ادامه، هر یک از گام های کیفی و کمی تحقیق به طور مجزا بررسی می گردد. مرحله کیفی: در مرحله کیفی تحقیق به منظور شناسایی عوامل مؤثر، از روش تحلیل تم بهره گرفته شده است. تحلیل تم روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای (تم ها) موجود درون داده ها است. این روش در خود، داده ها را سازماندهی و در قالب جزئیات توصیف می کند، اما می تواند از این فراتر رفته و جنبه های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر کند (براون و کلارک، ۲۰۰۶). در مرحله کیفی، به منظور انجام مصاحبه های نیمه ساختاریافته با خبرگان، از ۹ نفر از خبرگان دانشگاهی و همچنین ۱۴ نفر از مدیران دولتی مصاحبه نیمه ساختاریافته به عمل آمد. مشارکت کنندگان در مصاحبه ها به صورت هدفمند از میان کسانی که در زمینه موضوع تحقیق، صاحب نظر بوده و فعالیت های پژوهشی و اجرایی مرتبط داشتند، انتخاب شدند و فرآیند مصاحبه ها تا مرحله رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. خبرگان دانشگاهی مصاحبه شده ضمن داشتن مدرک دکتری، در رشته های مدیریت و اقتصاد و دیگر رشته های مرتبط تحصیل کرده بودند و در زمینه خصوصی سازی فعالیت پژوهشی داشتند. خبرگان اجرایی نیز ضمن داشتن حداقل مدرک کارشناسی ارشد، دارای حداقل ۱۵ سال سابقه مدیریت در سازمان های دولتی بوده و با موضوع خصوصی سازی آشنایی داشته و در کار گروه های واگذاری ها عضویت داشتند. مشخصات خبرگان در جدول ارائه شده است.

جدول ۱: مشخصات خبرگان

عنوان	تعداد
مدرک تحصیلی	
دکتر	۱۵
کارشناسی ارشد	۸

برای عوامل مؤثر بر خصوصی سازی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نمونه‌ای متن مصاحبه و کدهای عوامل مؤثر بر خصوصی سازی

کد	متن مصاحبه
انتخاب بنگاه برای واگذاری	«با توجه به اینکه قانون خصوصی سازی کلی است، نیاز است در مورد اینکه چه بنگاه‌هایی با چه شرایطی در هر زمان باید مشمول خصوصی سازی باشد، سیاستگذاری درست انجام شود. وقتی یک بنگاه برای خصوصی سازی انتخاب می شود، باید تمام شرایط سنجیده شده باشد تا در آینده مشکلات احتمالی کمتر باشد».
روش واگذاری	«خیلی از مشکلات خصوصی سازی به این مساله برمی گردد که در نهایت شرکت با روش درست به بهترین متقاضی واگذار نمی شود. روش های موجود خصوصی سازی باید آسیب شناسی شود و ضعف های آن برطرف شود».
وضعیت اقتصادی قبل از واگذاری	«معمولاً شرکت هایی که در شرایط پرنوسان و بی ثبات اقتصادی واگذار می شوند، در عملکرد خود دچار مشکل می شوند. اینکه مالکیت یک شرکت دولتی بخواهد در شرایط پرنوسان اقتصادی از دولتی به خصوصی تغییر کند، آینده آن را می تواند به خطر بیندازد».
نرخ تورم قبل از واگذاری	«با توجه به اینکه تورم در ارزش گذاری شرکت ها در هر زمان و نیز شرایط رقابتی آنها در بازار تأثیر زیادی دارد، بهتر است در زمان واگذاری به شکلی عمل شود که آثار تورم در نظر گرفته شده و واگذاری واقع بینانه انجام شود».
سهم بازار هر بنگاه	«یکی از اهداف عمده خصوصی سازی این است که عملکرد یک شرکت بهتر شود و جایگاه رقابتی آن بهبود یابد؛ اما اگر شرکتی که با مالکیت دولتی سهم بازار و سودآوری خوبی دارد، برای خصوصی شدن انتخاب شود، جای بحث زیادی دارد».
وضعیت پشتیبانی بعد از واگذاری	«شرکت هایی که خصوصی می شوند را نباید به حال خود رها کرد و باید تا زمانی که بتوانند شرایط خود را با مالکیت خصوصی انطباق دهند، از آنها حمایت انجام شود».

سابقه کاری	
۱۴	۲۹-۲۰
۳۲	۳۹-۳۰
۱۸	۵۰-۴۰
۶	بالتر از ۵۰
جنسیت	
۴۴	مرد
۲۶	زن

یافته های تحقیق

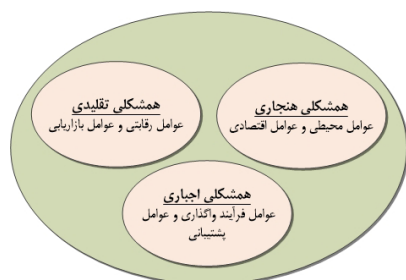
در این پژوهش، به منظور گردآوری داده‌ها در مرحله کیفی برای شناسایی عوامل، از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استفاده شد و داده‌ها با روش تحلیل تم تحلیل شدند. گام‌های طی شده به منظور طراحی مدل براساس نظر براون و کلارک (۲۰۰۶) با روش تحلیل تم به صورت زیر است.

گام اول - آشنایی با داده‌ها: در این مرحله محققان، به بررسی مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته انجام شده با خبرگان پرداختند. محتوای مصاحبه‌ها دو بار و در بازه زمانی ۲۰ روز گوش داده شد تا تمامی نکات مطرح شده توسط خبرگان شناسایی گردد. همچنین، در مواردی که در مورد مطلب مطرح شده توسط خبرگان ابهام وجود داشت، با آنها تماس برقرار شد تا نظر خود را اعلام کنند. در پایان این مرحله، پس از یادداشت برداری از محتوای مصاحبه‌ها، محقق به بررسی و بازخوانی چندباره یادداشت‌ها پرداخت و محتوای آنها دقیق بررسی شد.

گام دوم - ایجاد کدهای اولیه: در مرحله دوم، محقق به شناسایی کدهای اولیه پرداخت. کد یک ویژگی داده‌ها را معرفی می‌نماید که به نظر تحلیل گر جالب می‌رسد (براون و کلارک، ۲۰۰۶). بدین منظور، محقق برای مطلب مطرح شده بیان شده توسط خبرگان که به موضوع خاصی اشاره داشت، یک کد استخراج کرد. متن مصاحبه و کدهای استخراج شده

همشکلی تقلیدی	عوامل رقابتی	۸ فضای کسب و کار
		۹ سهم بازار هر بنگاه
		۱۰ وضعیت رقبای بنگاه
	عوامل بازاریابی	۱۱ وضعیت موجود قیمت گذاری
		۱۲ وضعیت موجود مشتری یابی
		۱۳ وضعیت موجود بازاریابی و تبلیغات
همشکلی هنجاری	عوامل محیطی	۱۴ وضعیت اجتماعی قبل از واگذاری
		۱۵ وضعیت سیاسی قبل از واگذاری
		۱۶ وضعیت فرهنگی قبل از واگذاری
		۱۷ محیط قانونی قبل از واگذاری
	عوامل اقتصادی	۱۸ وضعیت اقتصادی قبل از واگذاری
		۱۹ نرخ تورم قبل از واگذاری

همچنین، نتایج تحلیل تم و دسته بندی عوامل مؤثر بر خصوصی سازی، براساس تئوری نهادی توسط خبرگان نیز مورد تایید قرار گرفت و دسته بندی عوامل با مطالب نظری در زمینه تئوری نهادی تطبیق داده شد. نهایتاً، الگوی ارتقای خصوصی سازی براساس تئوری نهادی با توجه به نتایج مرحله کیفی در شکل قابل ملاحظه است.



شکل: الگوی ارتقای خصوصی سازی براساس تئوری نهادی

مرحله ۳- جستجوی تمها: در مرحله شناسایی کدها، ۱۹ عامل مؤثر بر خصوصی سازی شناسایی گردید. در مرحله بعد، کدهای که از متن مصاحبه‌ها در مرحله قبل استخراج شده بود و از نظر محتوایی با هم اشتراک داشتند، توسط محقق ادغام شدند و مولفه‌ها را به وجود آوردند. همچنین، مولفه‌هایی که از نظر محتوایی با هم اشتراک داشتند، با هم ادغام شد و بعدها را شکل دادند.

مرحله ۴- بازبینی تمها: در این مرحله، محققان به بررسی و بازبینی مجدد تمهای استخراج شده پرداختند و نتایج کدگذاری را با نتایج شناسایی تمها و همچنین مبانی علمی موجود انطباق دادند. همچنین، نقشه تمها آماده شده و بررسی شد که نشان داد دارای ساختاری قابل قبول است.

مرحله ۵- تعریف و نام گذاری تمها: پس از اینکه تمها نهایی شد و دسته بندی مورد تایید قرار گرفت، نسبت به نام گذاری تمها اقدام گردید.

نهایتاً، نتایج تحلیل تم در جدول ۴ ارائه شده است. شایان ذکر است که دسته بندی عوامل براساس تئوری نهادی انجام شده و نهایتاً عوامل مؤثر بر خصوصی سازی در سه دسته همشکلی اجباری، همشکلی تقلیدی و هنجاری ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج تحلیل تم عوامل مؤثر بر خصوصی سازی

ردیف	شاخص	مولفه	بعد
۱	وضعیت پشتیبانی بعد از واگذاری	عوامل پشتیبانی	همشکلی اجباری
۲	وضعیت نظارت بعد از واگذاری		
۳	آماده سازی بنگاه برای واگذاری		
۴	نهاد واگذاری	عوامل فرآیند واگذاری	
۵	شناخت قبل از واگذاری		
۶	انتخاب بنگاه برای واگذاری		
۷	روش واگذاری		

اعتبارسنجی مدل تحقیق

به منظور اعتبارسنجی مدل تحقیق، از ۷۰ نفر از صاحب نظران و افراد خبره در زمینه خصوصی سازی و دست اندرکار واگذاری شرکت های دولتی نظرخواهی به عمل آمد. روش تجزیه و تحلیل داده ها، تحلیل عاملی تاییدی بود و از نرم افزار اسمارت پی. آل. اس است. برای انجام مدل سازی معادلات ساختاری، ابتدا کفایت نمونه گیری مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور شاخص KMO محاسبه شده و آزمون بارتلت انجام گرفت. همان گونه که در جدول ۵ قابل مشاهده است، از آنجایی که مقدار شاخص KMO بالاتر از ۰/۶ است و مقدار معناداری آزمون کمتر از ۰/۰۵ است، کفایت حجم نمونه مورد تایید است.

جدول ۵: نتایج شاخص KMO و آزمون بارتلت

مقدار شاخص KMO		۰/۸۱۹
آزمون بارتلت	مقدار Chi-square	۱۲۵۵/۱۹۱
	درجه آزادی	۲۵
	Sig	۰/۰۰۰

همچنین، نتایج آزمون نرمال بودن داده ها با روش کولموگروف- اسمیرنوف نشان داد که متغیرهای تحقیق از توزیع نرمال برخوردار هستند. در ادامه، شاخص پایایی محاسبه شد. آلفای کرونباخ معیاری کلاسیک برای ارزیابی پایایی است. مطابق جدول ۶ مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای پژوهش یا همان شاخص های مؤثر در خصوصی سازی بالاتر از ۰/۷ می باشد و از پایایی مطلوبی برخوردار است. همچنین، از آنجا که ضریب آلفای کرونباخ برآورد سخت گیرانه تری نسبت به پایایی سازگاری درونی متغیرهای مکنون ارائه می دهد. به همین دلیل می توان از مقیاس پایایی ترکیبی استفاده می شود. در محاسبه پایایی ترکیبی شاخص ها با بارهای عاملی بیشتر اهمیت زیادتری داشته و باعث می شود مقادیر پایایی ترکیبی سازه ها معیار واقعی تر و دقیق تری نسبت به آلفای کرونباخ

باشد. طبق جدول زیر از آنجا که پایایی ترکیبی مدل های اندازه گیری متغیرهای پژوهش از ۰/۷ بیشتر می باشد، می توان گفت پرسشنامه دارای پایایی ترکیبی لازم است. نهایتاً، برای بررسی روایی همگرا پرسشنامه می توان از متوسط واریانس استخراج شده به عنوان معیار مرتبط استفاده کرد. استفورنل و لارکر (۱۹۸۱) معیار AVE را برای سنجش روایی همگرا ارائه داده که مقدار AVE زمانی که بالاتر از ۰/۵ است، بیانگر روایی همگرای قابل قبول است. یعنی متغیر مکنون می تواند به طور میانگین بیش از نیمی از پراکندگی معرف هایش را بیان نماید. در محاسبه پایایی ترکیبی شاخص ها با بارهای عاملی بیشتر اهمیت زیادتری داشته و باعث می شود مقادیر CR سازه ها معیار واقعی تر و دقیق تری نسبت به آلفای کرونباخ باشد. نتایج محاسبات پایایی و روایی همگرا در جدول ارائه شده است که همگی مقادیری قابل قبول است.

جدول ۶: سنجش پایایی و روایی همگرا متغیرهای تحقیق

متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	AVE
همشکلی اجباری	۰/۸۱۲	۰/۸۴۰	۰/۷۵۵
همشکلی تقلیدی	۰/۷۸۱	۰/۷۹۴	۰/۷۰۸
همشکلی هنجاری	۰/۸۲۸	۰/۸۳۹	۰/۷۲۷

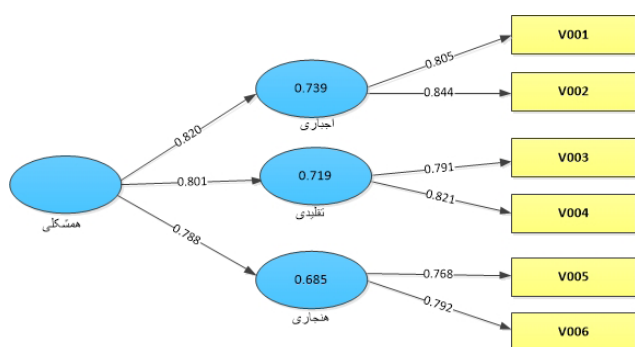
روایی واگرا سومین معیار سنجش برازش مدل های اندازه گیری در روش PLS است. روایی واگرا بر همبستگی پایین سنجه های یک متغیر پنهان با یک متغیر غیر مرتبط با آن (از نظر پژوهشگر) اشاره دارد. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) بیان کردند روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که میزان AVE برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه های دیگر (یعنی مربع مقدار ضرایب همبستگی بین سازه ها) در مدل باشد. بر این اساس روایی واگرای قابل قبول یک مدل اندازه گیری حاکی از آن است که یک سازه در مدل تعامل بیشتری با شاخص های خود دارد تا با سازه های دیگر.

جدول ۷، نتایج سنجش روایی واگرا را نشان می‌دهد.

جدول ۷: نتایج سنجش روایی واگرا

متغیر	همشکلی اجباری	همشکلی تقلیدی	همشکلی هنجاری
همشکلی اجباری	۰/۸۱۰		
همشکلی تقلیدی	۰/۳۷۵	۰/۷۶۴	
همشکلی هنجاری	۰/۴۱۱	۰/۳۲۲	۰/۷۱۲

همچنین، در شکل ۲ حالت تخمین استاندارد بارهای عاملی نشان داده شده است. هر چه مقدار بار عاملی بزرگ‌تر و به یک نزدیک‌تر باشد، یعنی متغیر بهتر می‌تواند متغیر مکنون یا پنهان را تبیین کند. اگر بار عاملی کمتر از ۰/۴ باشد، رابطه ضعیف است و از آن صرف‌نظر می‌شود. همان‌طور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، بار عاملی همه متغیرها بزرگ‌تر از ۰/۴ می‌باشد؛ بنابراین، این متغیرها تبیین‌کننده مناسبی برای متغیر خصوصی سازی است.



شکل ۲: مدل مفهومی تحقیق در حالت تخمین ضرایب استاندارد

همچنین، برای برازش مدل تحقیق، ۷ شاخص برازش مدل برای متغیرهای مکنون محاسبه شده است. همان‌طور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، شاخص‌ها از وضعیت مناسبی برخوردار هستند و مدل تحقیق قابل قبول است.

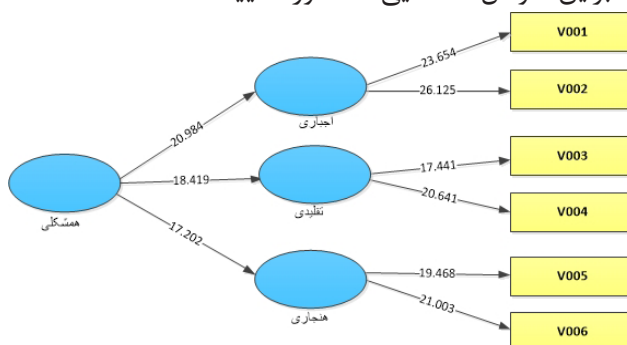
جدول ۸: شاخص‌های برازش مدل

مقدار مناسب	هنجاری	تقلیدی	اجباری	شاخص
کمتر از ۵	۴/۱۰	۳/۸۹	۳/۷۷	χ^2 / df
کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۰۵	۰/۰۶	میانگین مجذور خطاهای مدل ^۱
نزدیک به صفر	۰/۱۶	۰/۲۱	۰/۱۸	متوسط باقیمانده‌ها
نزدیک به یک	۰/۹۱	۰/۹۰	۰/۹۲	ارزیابی مقدار نسبی واریانس و کوواریانس ^۲

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، مربع ضرایب همبستگی بین متغیرهای مکنون مورد مطالعه به صورت دو به دو، کمتر از میانگین واریانس استخراج شده (AVE) برای تک تک متغیرهای مکنون است. از این رو، ابزار تحقیق از اعتبار واگرای مناسبی برخوردار است و هر دسته از مولفه‌های مربوط به متغیرهای مکنون، به طور مستقل موضوع متفاوتی را اندازه‌گیری می‌کنند.

نهایتاً، فرضیات مدل تحلیل عاملی آزمون شد. ساده‌ترین معیار برای بررسی رابطه بین سازه‌ها در تحلیل عاملی تاییدی، اعداد معناداری t است. اگر مقدار آماره t خارج بازه از ۱/۹۶- تا ۱/۹۶+ قرار داشته باشد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است و اگر مقدار آماره t درون این بازه قرار گیرد، در نتیجه ضریب مسیر برآورد شده معنادار نبوده و فرضیه متناسب با آن رد می‌گردد. همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، مقدار آماره t برای همه متغیرها بیشتر از مقدار ۱/۹۶ است.

بنابراین، عوامل شناسایی شده مورد تایید است.



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق در حالت معناداری ضرایب

سازی به این مساله برمی‌گردد که بنگاه‌ها آمادگی لازم برای واگذاری را ندارند یا اینکه پس از واگذاری نظارت و پشتیبانی لازم به عمل نمی‌آید. یعقوبی و همکاران (۱۴۰۰) نیز در تحقیق خود به نقش مهم عوامل نظارتی در فرآیند خصوصی سازی اشاره کرده که تأییدکننده نتایج این تحقیق است. عوامل بازاریابی نیز، اشاره دارد که در فرآیند خصوصی سازی از روش‌های علمی برای جلب مشارکت فعالان حوزه کسب‌وکار استفاده کند تا بتوانند تمامی افراد و شرکت‌های بالقوه که قابلیت مالکیت شرکت‌های دولتی را دارند، شناسایی و در فرآیند واگذاری درگیر کند. شاید یکی از مهمترین مشکلات خصوصی سازی، قیمت‌گذاری‌های غیرواقعی و اطلاع رسانی‌های محدود و عدم تلاش لازم برای جذب سرمایه‌گذاران دارای پتانسیل باشد که به‌نوعی منشأ آن می‌تواند رانت و رابطه مداری باشد. ذاکری (۱۴۰۰) نیز به وجود رانت در خصوصی سازی شرکت‌های دولتی ایران اشاره کرده که با نتایج این تحقیق سازگاری دارد. مولفه دیگر، عوامل فرآیند واگذاری است که به مواردی چون نهاد واگذاری، شناخت قبل از واگذاری، انتخاب بنگاه و روش واگذاری اشاره دارد. یک فرآیند مطلوب برای واگذاری، باید بتواند با بهره‌گیری از بهترین روش ممکن واگذاری را به توانمندترین و شایسته‌ترین متقاضی واگذار کند. نمونه مشکلات ایجاد شده در رابطه با این عامل، واگذاری شرکت‌های دولتی به افراد فاقد صلاحیت لازم است که چندسال گذشته جنجال‌هایی را به‌همراه داشته و شرکت‌های واگذار شده و کارگران آنها متحمل زیان‌های زیادی شده‌اند (مانند شرکت هفت‌تپه). همچنین، یافته‌های پژوهش نقی پور و عالی پور (۱۴۰۱) بر اهمیت محیط اقتصادی در خصوصی سازی تأکید دارد که در این تحقیق نیز این مورد تأیید شد.

دیگر مولفه شناسایی شده، مربوط به عوامل رقابتی است که به این مورد اشاره دارد که شرایط رقابتی شرکت‌های دولتی

مقادیر CFI	۰/۹۴	۰/۹۱	۰/۹۳	بزرگ‌تر از ۰/۹
مقادیر NFI	۰/۸۶	۰/۸۵	۰/۸۲	بزرگ‌تر از ۰/۸
مقادیر NNFI	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۹۰	بزرگ‌تر از ۰/۹

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه، باید پذیرفت که محیط نهادی و عوامل مرتبط با آن نقش مهمی در عملکرد سازمان‌ها بازی می‌کنند. بحث خصوصی سازی نیز از این قاعده مستثنی نیست و برای دستیابی به موفقیت در این حوزه نیاز است عوامل مرتبط با محیط نهادی که بر خصوصی سازی تأثیرگذار هستند، شناسایی و نسبت به مدیریت آنها اقدام شود. براساس تئوری نهادی، سازمان‌ها باید نسبت به سه نوع همشکلی اجباری، همشکلی تقلیدی و همشکلی هنجاری اقدامات لازم را به عمل آورند تا بتوانند عملکرد مطلوب در محیط نهادی از خود نشان دهند. از این رو، در این تحقیق تلاش شد بحث خصوصی سازی از نگاهی جدید و براساس تئوری نهادی مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به اینکه خصوصی سازی در محیط نهادی اتفاق می‌افتد، با پایش و مدیریت عوامل مرتبط با آن تا حد زیادی زمینه برای عملکرد مطلوب در این حوزه فراهم کرد. براساس یافته‌ها، ۱۹ عامل مؤثر بر خصوصی سازی براساس دیدگاه خبرگان در مصاحبه‌ها شناسایی شد که پس از انجام فرآیند تحلیل تم، نسبت به دسته بندی آنها اقدام شد. براساس یافته‌های تحقیق، ۱۹ عامل مؤثر بر خصوصی سازی شناسایی شد که در ۶ مولفه عوامل فرآیند واگذاری، عوامل پشتیبانی، عوامل رقابتی، عوامل بازاریابی، عوامل محیطی و عوامل اقتصادی قرار گرفت. اولین مولفه شناسایی شده، مربوط به عوامل پشتیبان است. عوامل پشتیبان مربوط به مواردی است که نقش حمایتی را در فرآیند واگذاری شرکت‌های دولتی بازی می‌کند. بسیاری از مشکلات در فرآیند خصوصی

بعد همشکلی اجباری می‌توان گفت که فرآیند خصوصی‌سازی باید براساس الزامات تعریف شده در اسناد بالادستی و قوانین و مقررات مربوط به آن انجام گیرد و البته براساس تجارب کسب‌شده، باید نسبت به به‌روزرسانی قوانین اقدام شود. همچنین، شرکت‌های دولتی پس از خصوصی‌سازی ضمن برخورداری از حمایت و پشتیبانی لازم، باید تحت اقدامات نظارتی قرار گیرند تا بتوانند با شرایط جدید خود را انطباق دهند. در مورد همشکلی تقلیدی باید شرایط شرکت‌های دولتی نسبت به عوامل رقابتی و بازاریابی در زمان واگذاری در نظر گرفته شود. در مورد شرایط رقابتی باید سهم بازار بنگاه و نیز موقعیتی که نسبت به رقبا در نظر گرفته شود و همچنین مدنظر قرار گیرد که فضای کسب و کار برای فعالیت بنگاه و نیز آینده آن چگونه است. از طرفی، باید تلاش شود برای واگذاری بهتر، عوامل بازاریابی مرتبط با واگذاری از جمله قیمت‌گذاری مطلوب، اطلاع‌رسانی و تبلیغات مناسب در مورد واگذاری و نهایتاً شرایط بازار برای استقبال مشتریان مدنظر باشد. در مورد همشکلی هنجاری هم باید گفت که خصوصی‌سازی باید با لحاظ کردن شرایط محیط کلان و رضایت ذی‌نفعان آنها انجام پذیرد. خصوصی‌سازی موفق زمان اتفاق می‌افتد که شرایط و متغیرهای موجود در محیط‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، قانونی و اقتصادی و منافع هر یک از ذی‌نفعان آنان مدنظر قرار گیرد. در مقایسه با نتایج مطالعه امیر اسکندری و رزم‌جو (۱۳۹۸)، ابعاد شناسایی‌شده توسط آنها بیشتر با همشکلی اجباری و تا حدودی همشکلی تقلیدی تطابق دارد که در تحقیق حاضر عوامل مربوط به همشکلی هنجاری به ابعاد شناسایی‌شده توسط آنها اضافه شده و ابعاد مطرح‌شده نیز تکمیل گردیده‌است.

نتایج تحقیق گویای آن است که دستیابی به موفقیت در خصوصی‌سازی پدیده اتفاقی نیست و نتیجه توجه به مجموعه‌ای از عوامل کلان و خرد به‌طور همزمان است.

در زمان واگذاری باید بررسی گردد و با توجه به شرایطی که دارند، بهترین تصمیم در مورد آنها اتخاذ شود. عوامل رقابتی در دیگر تحقیقات کمتر مورد توجه قرار گرفته‌بودند و به‌نوعی از عواملی است که در این تحقیق مورد توجه قرار گرفت. اینکه شرکت دولتی چه سهم بازاری دارد و شرایط رقابتی آن به چه شکل است و فضای کسب و کار مربوط به آن چگونه است، نقشی تعیین‌کننده در خصوصی‌سازی دارد. در کنار عوامل مطرح‌شده، عوامل محیطی نیز بر خصوصی‌سازی تأثیر زیادی دارد. محیط و عوامل مرتبط با آن می‌تواند در موفقیت واگذاری شرکت‌های دولتی تأثیر بالایی داشته‌باشد. اینکه شرایط سیاسی کشور شرایط را برای خصوصی‌سازی مهیا می‌کند و روند آن را تسهیل می‌کند یا اینکه محیط فرهنگی و اجتماعی جامعه نسبت به خصوصی‌سازی چه دیدگاهی دارد و پذیرش آن به چه شکل است، می‌تواند نقشی مهمی در موفقیت واگذاری‌ها داشته‌باشد. همچنین، قوانین واگذاری نیز همان‌طور که یافته‌های تحقیق رامامورتی (۲۰۲۰) اشاره دارد، بر موفقیت واگذاری‌ها بسیار مؤثر است. آخرین مولفه شناسایی‌شده، مربوط به عوامل اقتصادی است. با توجه به اینکه شرکت‌های دولتی تأثیر زیادی از متغیرهای اقتصادی می‌پذیرند، باید در زمان واگذاری‌ها به شرایط اقتصادی توجه داشت. مثلاً، زمانی که نابسامانی و بی‌ثباتی در محیط اقتصادی زیاد است، بهتر است واگذاری‌ها انجام نشود؛ یا اینکه در شرایط تورمی که ممکن است قیمت‌گذاری شرکت‌ها در کوتاه مدت بی‌اعتبار شود، واگذاری به تعویق افتد.

البته، مولفه‌های شناسایی‌شده در سه بعد همشکلی اجباری، همشکلی تقلیدی و همشکلی هنجاری قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که ۳ دسته عوامل همشکلی اجباری (عوامل فرآیند واگذاری و عوامل پشتیبانی)، همشکلی تقلیدی (عوامل رقابتی و عوامل بازاریابی) و همشکلی هنجاری (عوامل محیطی و عوامل اقتصادی) بر خصوصی‌سازی مؤثرند. در مورد

- پیشنهاد می‌گردد قبل از انجام واگذاری به متقاضیان، نسبت به بررسی صلاحیت و شایستگی آن‌ها هم از نظر توان مالی و هم تخصص در زمینه فعالیت شرکتی که در شرف واگذاری است، بررسی جامع و کامل براساس معیارهای عینی انجام شود و بعد از شناسایی متقاضیان، آن‌ها در فرآیند واگذاری مشارکت داده شوند.

- پیشنهاد می‌گردد به منظور آگاهی کلیه افراد و شرکت‌هایی که دارای پتانسیل مالکیت شرکت دولتی هستند، اطلاع‌رسانی کامل به عمل آید تا بدین صورت از رانت و روابط پشت‌پرده جلوگیری شود و همه در فرآیندی شفاف جهت واگذاری مشارکت کنند.

- پیشنهاد می‌گردد قیمت‌گذاری شرکت دولتی براساس روش‌های علمی و توسط افراد خبره انجام گیرد و سعی شود از حداقل چند خبره در فرآیند قیمت‌گذاری استفاده شود.

- پیشنهاد می‌گردد قبل از هرگونه اقدام به واگذاری، شرایط شرکت دولتی بررسی گردد تا از آمادگی آن برای انتقال به بخش خصوصی اطمینان به عمل آید. شرایط رقابتی شرکت در بازار و وضعیت مالی آن مبنای مهمی برای تصمیم‌گیری است. مبنای کار باید این باشد که اطمینان حاصل شود شرایط شرکت پس از واگذاری بهبود یابد.

- پیشنهاد می‌گردد تیم‌های تخصصی و چندرشته‌ای برای پایش شرایط محیطی مؤثر بر عملکرد شرکت و تأثیر آن‌ها بر فرآیند واگذاری بررسی گردد تا مشخص شود شرکت در محیط کلان بهتر است به شکل دولتی اداره شود یا خصوصی.

- پیشنهاد می‌گردد آیین‌نامه‌ها و فرآیندهای واگذاری شرکت‌های دولتی براساس تجارب به‌دست آمده و معیارهای تخصصی مجدداً بررسی گردد و سعی شود فرآیندها به سمت شفافیت و کارایی مناسب سوق داده شود.

- نهایتاً، پیشنهاد می‌گردد شرایط و ضوابط واگذاری شرکت‌های دولتی به شکلی باشد که انتقال قطعی و کامل مالکیت پس از چند سال و آن هم براساس عملکرد حاصل

همچنین، داشتن نگاه علمی و واقع‌بینانه به خصوصی‌سازی می‌تواند دستاوردهای مثبتی را ایجاد کند و شرایطی به وجود آورد که شرکت‌های دولتی به شکل مطلوبی بتوانند به بخش خصوصی واگذار شوند. تجارب کشورهای مختلف نیز نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی جای آزمون و خطا نیست و باید تا حد امکان به شکل مطلوبی انجام گیرد؛ چرا که هم بیت‌المال نباید ضایع شود و هم آینده شرکت‌های دولتی و افراد شاغل در آن نباید به خطر بیفتد. با توجه به اینکه خصوصی‌سازی در محیط نهادی انجام می‌پذیرد، باید عوامل مرتبط با شرایط خرد و کلان در نظر گرفته شود تا بتوان به نتایج و دستاورد قابل قبولی دست یافت. شرکت‌های صنعت لاستیک شرایط خاص رقابتی را تجربه می‌کنند و به شدت تحت تأثیر متغیرهای موجود در محیط نهادی هستند و از این رو، در فرآیند خصوصی‌سازی در این صنعت باید نگاه واقع‌بینانه و علمی حاکم باشد. یافته‌های این پژوهش در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد و با ارائه رهنمودهای لازم در مورد عوامل مؤثر بر موفقیت خصوصی‌سازی، آینده شرکت‌های دولتی و ذی‌نفعان مختلف آنها را تضمین کند.

نهایتاً، نتایج تحقیق نشان داد که بهره‌گیری از تئوری نهادی در حوزه خصوصی‌سازی می‌تواند اثربخش باشد و شناخت مطلوب تری نسبت به عوامل مؤثر بر آن ایجاد کند. همچنین، براساس آنچه در تحقیق حاصل شد، خصوصی‌سازی با لحاظ کردن شرایط و عوامل محیط نهادی می‌تواند زمینه موفقیت در این زمینه و رفع مشکلات و مسائل موجود را فراهم کند. پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی سایر تئوری‌های موجود مانند اصول حکمرانی خوب، تئوری وابستگی منابع، تئوری بازی‌ها و... برای شناخت بهتر از بحث خصوصی‌سازی و جوانبن مختلف آن مورد استفاده قرار گیرد. پیشنهادات کاربردی پژوهش براساس یافته‌های تحقیق جهت خصوصی‌سازی در شرکت‌های دولتی (و به‌ویژه صنعت لاستیک) به شکل زیر است:

قوانین به‌نحوی تعیین شود که شرکت‌های در زمان واگذاری باید از حداقل عملکرد مطلوب برخوردار باشند و به‌نوعی از یک ثبات عملکردی برخوردار باشند. تعریف معیارهای حداقل عملکرد مطلوب باید توسط افراد خیره انجام پذیرد.

- پیشنهاد می‌گردد تجارب کشورهای موفق در زمینه خصوصی‌سازی با توجه به شرایط کشور بومی سازی شود و در جهت ارتقای عملکرد خصوصی‌سازی استفاده گردد.

شده انجام شود. نظارت و ارزیابی دقیق عملکرد در این مورد بسیار مهم است.

- پیشنهاد می‌گردد واگذاری شرکت‌ها از منظر عوامل محیطی شامل معیارهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... بررسی گردد و امکان سنجی خصوصی‌سازی بر مبنای این عوامل تحلیل شود.

- پیشنهاد می‌گردد به‌منظور افزایش اثربخشی در واگذاری،

IRIM سپاسگزاری

منابع

۱. دادی، علی، باقری کنی، مصباح الهدی و حاجی پور، بهمن. (۱۳۹۳). بررسی پاسخ‌های سازمانی به فشارهای نهادی (مورد کاوی: دانشگاه امام‌صادق). مدیریت در دانشگاه اسلامی، ۳(۷)، ۱۴۲-۱۲۹.
۲. امیر اسکندری، فرزاد و رزم جویی، محرم (۱۳۹۸). مطالعات تطبیقی خصوصی‌سازی و تدوین الگوی راهبردی مناسب برای ایران. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۹۲، ۲۰۱-۲۳۰.
۳. بخشی کشتلی، محمد و عباسی، بیژن (۱۴۰۱). تأثیر خصوصی‌سازی باشگاه‌های دولتی و نقش آن در ارتقای مدیریت ورزش در ایران. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره پنجم، شماره ۹، ۱۴۹۱-۱۵۱۲.
۴. پناهی، مهدی، حیدر پور، فرزانه، اسماعیل‌زاده، علی و کیقبادی، امیر (۱۴۰۰). خصوصی‌سازی در ایران؛ چالش‌های نوین اقتصادی و مالی منطقه‌ای با نظریه داده‌بنیاد (گراند تئوری). اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، دوره بیست و هشتم، شماره ۲۲.
۵. پوراحمدی، معین، مختاریان پور، مجید و حسنقلی پور، طهمورث (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی اجرای خط‌مشی‌های خصوصی‌سازی در ایران. مجله مدیریت دولتی، دوره دهم، شماره ۳، ۳۳-۳۵۶.
۶. جعفرپور، محمود (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی خصوصی‌سازی در ایران. بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۰۴، ۹-۳۰.
۷. ذاکری علیرضا (۱۴۰۰). خصوصی‌سازی دارایی‌های دولت در ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۹) (مطالعه گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی). جامعه‌شناسی تاریخی، دوره سیزدهم، شماره ۲، ۱۴۱-۱۷۸.
۸. شمسی، محمدجواد، شهرخی، محمود و امینی، محبوبه (۱۳۹۹). ارائه یک مدل جهت سنجش عملکرد شرکت‌های واگذار شده به بخش خصوصی. مجله تحقیقات اقتصادی، دوره پنجاه و پنجم، شماره ۴، ۸۸۷-۹۱۴.
۹. صمدی، امین‌الله، جعفرقلیخانی، ابوالفضل و یوسفی، محمدرضا (۱۳۹۹). بررسی ارزشی - حقوقی رویکرد حاکمیت ایران به خصوصی‌سازی. پژوهش‌های اخلاقی، سال دهم، شماره ۴۰.
۱۰. محمدی، اسفندیار، آذر، عادل، قلی پور، رحمت‌الله، الوانی، مهدی و کمیجانی، اکبر (۱۳۹۰). طراحی مدل جامع خصوصی‌سازی و واگذاری بنگاه‌های دولتی در ایران با رویکرد خط‌مشی‌گذاری. پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره پانزدهم، شماره ۴.
۱۱. مجتهدی، ویدا و اثناعشری، حمیده (۱۳۹۲). خصوصی‌سازی و آثار آن بر بازارهای مالی. مطالعات حسابداری و حسابرسی، سال دوم، شماره ۵.
۱۲. نصیری واحد، مهدی، معمارزاده تهران، غلامرضا و صیاد شیرکش، سعید (۱۴۰۱). طراحی مدل خصوصی‌سازی برای شرکت‌های دولتی با رویکرد استنتاج فازی (مورد مطالعه: راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران). مدیریت کسب‌وکار، دوره چهاردهم، شماره ۵۴، ۲۲۵-۲۴۴.
۱۳. نقی پور، عباس و عالی پور، حسن (۱۴۰۱). رویارویی خصوصی‌سازی با فساد در اقتصاد ایران؛ ارزیابی کارآمدی نظارت پیشگیرانه. دانشنامه حقوق اقتصادی، دوره بیست و نهم، شماره ۲۱، ۲۳۱-۲۶۷.
۱۴. یعقوبی، محمد، سیفی، وحید و صادقی، مهدی (۱۴۰۰). راهبرد اساسی خصوصی‌سازی در ایران. مجله راهبرد

اقتصادی، دوره دهم، شماره ۳۷، ۲۱۵-۲۵۰.

15. Ballesteros, B.C. & Miguel, N.P. (2018). The Socioeconomic Consequences of Privatization: An Empirical Analysis for Europe. *Social Indicators Research*, 139, 163-183.
16. Brogaard, L. & Peterson, O. (2021). Privatization of Public Services: A Systematic Review of Quality Differences between Public and Private Daycare Providers. *International Journal of Public Administration*, 45(10), 794-806.
17. Estrin, S. & Pelletier, A. (2019). Privatization in Developing Countries: What Are the Lessons of Recent Experience?. *The World Bank Research Observer*, 33(1), 65-102.
18. Gakhar, D.V. & Phukon, A. (2018). From welfare to wealth creation: A review of the literature on privatization of state-owned enterprises. *International Journal of Public Sector Management*, 31(2), 265-286.
19. Huang, K. & Zhu, Y. (2022). China's secondary privatization and corporate investment efficiency. *Research in International Business and Finance*, 61, 101651.
20. Kang, J. & Huang, D. (2023). Examining the Effect of Privatization on Renewable Energy Consumption in the Digital Economy under Economic Patriotism: A Nonlinear Perspective. *Sustainability*, 15, 5864.
21. Kim, K. & Panchanatham, N. (2021). Reform and Privatization of State-Owned Enterprises in India. *Reforming State-Owned Enterprises in Asia*, ADB Institute Series on Development Economics. Springer, Singapore. 157-168.
22. Nasirzadeh, H., Tahmasbi, H. A. & Khalili, H A. (2021). Investment analysis in privatization of National Iranian Drilling Company using systems dynamics and BWM technique. *Energy Policy*, 148, 111963.
23. Pan, X., Cheng, W., Gao, Y. (2022). The impact of privatization of state-owned enterprises on innovation in China: A tale of privatization degree.
24. Phukon, A. & Gakhar, D.V. (2022). Perils of public sector enterprises in India: is privatization of central public sector enterprises a sustainable strategy?. *PSU Research Review*, 6(1), 59-73.
25. Radic, M., Ravasi, D. & Munir, K. (2022). Privatization: Implications of a Shift from State to Private Ownership. <https://doi.org/10.1177/0149206320988356>.
26. Ramirez, M. & Lewis, P. (2018). Beliefs About Corporate America and the Structure of Opinions Toward Privatization. *Political Behavior*, 40, 1011-1034.
27. Sato, S. & Matsumura, T. (2019). Dynamic Privatization Policy. *The Manchester school*, 87(1), 73-59.
28. Teles, A. C., & Dias, M. O. (2023). Does The Privatization Worth It? Factors Influencing the Quality of the Brazilian Privatization. *British Journal of Multidisciplinary and Advanced Studies*, 4(1), 51-71.

-
-
29. Tomikawa, T. & Goto, M. (2022). Efficiency assessment of Japanese National Railways before and after privatization and divestiture using data envelopment analysis. *Transport Policy*, 118, 44-55.
 30. Tuncer, A.M. (2022). Is Privatization Used Appropriately for Its Purpose? A Socioeconomic Point of View. *Open Access Library Journal*, 9(3), 1-9.
 31. Uddin, M.S. & Ahmed, Z. (2021). Privatization policy, entrepreneurship, and economic development: the dynamics in Bangladesh economy. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, <https://doi.org/10.1007/s40497-021-00288-9>.
 32. Zeng, H. Chen, X., Xiao, X., & Zhou, Z. (2017). Institutional pressures, sustainable supply chain management, and circular economy capability: Empirical evidence from Chinese eco-industrial park firms. *Journal of cleaner production*, 155(1), 54-65.
 33. Zhou, W., Huang, W., Hsu, V. & Guo, P. (2022). On the Benefit of Privatization in a Mixed Duopoly Service System. *Management science*, <https://doi.org/10.1287/mnsc.2022.4424>.

IRM

The pattern of promoting privatization in Iran's state-owned companies using institutional theory (case study: rubber production companies)

Ruqiya Alilou¹, Reza Najaf Beigi^{2*}, Nazanin Pilevari³

1- PhD student in public administration, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran

2- Full Professor of Public Administration, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran

3- Associate Professor of Public Administration, Islamic Azad University, Tehran West Branch, Tehran, Iran.

* Corresponding Author E-mail: rezanajafbagy@yahoo.com

Abstract

In the last few decades, privatization is one of the areas that has been discussed a lot and it is very necessary due to the many problems that are observed in the field of management and performance of public companies. Nevertheless, privatization should be done in the best way and considering all the internal factors of the companies and the variables of the institutional environment. Therefore, in this research, designing a model to promote privatization in Iran's state-owned companies by applying institutional theory has been considered. The current research is applied-developmental in terms of purpose and is among mixed research. In the qualitative stage, the theme analysis method was used to identify the factors affecting the privatization of state-owned companies based on institutional theory. For this purpose, a semi-structured interview was conducted with 23 experts who were selected purposefully. Based on the findings, 3 categories of forced homogeneity (handover process factors and support factors), imitative homogeneity (competitive factors and marketing factors) and normative homogeneity (environmental factors and economic factors) were identified. In the quantitative part, the test and validation of the research model was done with the confirmatory factor analysis method. For this purpose, 70 experts and experts in the field of privatization and handover of state-owned companies were asked for their opinions using a questionnaire. Based on the findings of factor analysis, all identified factors were confirmed. Also, the priority of the factors based on the calculated factor load is forced homomorphism, imitative homomorphism and normative homomorphism with values of 0.820, 0.801 and 0.788 respectively. The results of the research showed that the use of institutional theory in the field of privatization can be effective and create a better understanding of the factors affecting it.

Keywords: privatization, 44 principle of the Constitution, state-owned companies, institutional theory.